

شعار فرزند کمتر زندگی بهتر



سید احمد ساویز

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شعار فرزند کمتر زندگی بہتر

سید احمد ساویز

مقدمه

اندیشه محدود کردن فرزندآوری و کم کردن تعداد فرزند هر خانواده، از اواخر دوره رضاشاه مطرح شد. آغاز پیاده‌سازی این سیاست از دهه ۱۳۳۰ بود و در دهه ۱۳۴۰ به اوج رشد فعالیت خود رسید و شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» نیز در دهه ۱۳۴۰ مطرح و از طریق سپاه آبادانی و سپاه دانش به صورت گسترده در روستاها تبلیغ شد. این شعار که پیش از پیروزی انقلاب طراحی شده بود به «شورای محدودسازی فرزندآوری» ایالات متحده

آمریکا بازمی‌گشت. خانم ستاره فرمان‌فرمایان، یعنی شاهزاده قاجار که در ایران مسئول امور تنظیم خانواده بود، در آمریکا تحصیل کرده بود.

پس از انقلاب اسلامی، محدودسازی خانواده‌ها متوقف شد و فرزندآوری نیز به‌عنوان ارزش موردتوجه قرار گرفت و زادوولدها در دهه ۱۳۶۰ اوج گرفت. پس از سرشماری سال ۱۳۶۵ اش واژه‌های انفجار جمعیت، بحران دهان‌های باز و بحران گرسنگی به کلیدواژه‌های پرتکرار در برخی گزارش‌های رسیده به مسئولان تبدیل شدند و تصویر هولناکی از آینده را با نرخ افزایش جمعیت ترسیم کردند. نگرانی از این امر باعث شد که در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ قانون کنترل جمعیت در قالب برنامه اول توسعه توسط دولت وقت تنظیم و اجرایی شود. نفیس صدیق که ابتدای سال ۱۳۶۶ به‌عنوان مدیرکل اجرایی صندوق جمعیت سازمان ملل

منصوب شده بود، به ایران دعوت شد. وی در این سفر گفت: «هر کشوری می‌خواهد در مسیر توسعه گام بردارد، نمی‌تواند تنها با نیمی از جمعیت خویش این راه را بپیماید». منظور او از نیم دیگر جمعیت، زنان بودند.

هدف‌گذاری این برنامه آن بود که نرخ مولید از حدود ۶.۵ فرزند برای هر مادر، طی بیست سال، یعنی تا ۱۳۹۰ش، به ۴ فرزند برسد، اما برنامه با چنان شدتی پیش رفت و اجرا شد که در چهار سال نخست هدف نهایی آن محقق شد.

نگارنده از مشاهدات خود در دوران ابتدای انقلاب و شاید از سال ۱۳۷۰ به بعد، تابلوهای «فرزند کمتر، زندگی بهتر» را به خاطر دارد که نه تنها در ورودی محله‌ها و شهرها که در ورودی روستاها نیز به شدت روبه‌افزایش بود. این در حالی بود که کیفیت اجرای این برنامه در مقایسه با سایر تصمیمات مدیریتی کشور در آن

زمان، که چندان قدرتمند به پیش نمی‌رفتند، شگفت‌آور و کاملاً سؤال‌برانگیز بود. حتی در دورترین روستاها تابلوی «فرزند کمتر، زندگی بهتر» به چشم می‌خورد. به‌گفته‌ی شاهد عینی در حوالی سال ۱۳۷۲:

«روستای اسلام‌قلعه در پنجاه کیلومتری سرخس فاقد آب و برق و حمام [عمومی] است و دارای ۱۲۰ خانوار است. اداره‌ی بهداشت آنجا داروهای ابتدایی و ضروری مردم را نداشت و به‌عوض قرص ضدبارداری را مجاناً در اختیار اهالی قرار می‌داد. اکثر زن‌ها توپکتومی^۱ شده‌اند و بعد از اطلاع از حرمت این عمل پشیمان شده و بعضاً گریه می‌کردند به نظر می‌رسد پیشرفت این مسئله در این روستا به‌علت مشکلات اقتصادی نبوده؛ چون وضع مالی

^۱ عمل جراحی‌ای با هدف قطع یا بستن لوله‌های رحمی که مانع از رسیدن تخمک و اسپرم به یکدیگر می‌شود.

آن‌ها بد نبود، بلکه در اثر تبلیغات و این [تصور] که این عمل مورد رضایت مراجع و علمای دین است انجام می‌شود.^۲»

این برنامه حرکتی گسترده را در صداوسیما، آموزش و پرورش و متون درسی، فیلم و سریال و حتی قوانین محروم‌کننده مادران و فرزندان از خدمات دولتی به‌ازای فرزندان چهارم به بعد شامل می‌شد. در یک کتاب تنظیم‌شده خانواده که در آن سال‌ها ترجمه و چاپ شده، آمده بود: «شدت میزان باروری زنان باعث می‌شود که دوران سنین فعالیت زنان با حاملگی‌های پی‌درپی هدر رود و بدون بازدهی اقتصادی لازم سپری گردد».^۳

وزارت بهداشت با کمک صندوق جمعیت سازمان ملل، پویانمایی ساخته بود که دو خانواده را نشان می‌داد: در یک سو تک‌فرزندی

۲. «ناگفته‌های پروژهٔ تحدید نسل ایرانیان»، مجله فارس پلاس (برخط)، ۱۳۹۵/۵/۹.

۳. همان.

که در حال خوردن چلومرغ است و در سوی دیگر خانواده‌ای عیالوار را غمگین و بدبخت و گرسنه نمایش می‌داد. در انتها نیز این جمله دیده می‌شد: «زمانی می‌رسد که باید به فرزندانان توضیح دهید که چرا زاده شده‌اند».

در سال ۱۳۷۱، یعنی ظرف تنها سه یا چهار سال، در عمل اهداف برنامه‌ای بیست‌ساله محقق شد و نرخ باروری به ۴ فرزند به ازای هر مادر رسید. برنامه‌ی تنظیم خانواده در سال ۱۳۷۳ مصوب و بیست سال اجرا شد، تا آنکه نرخ باروری تا سطح جانشینی (۲.۱) فرزند به ازای هر خانواده) کاهش یافت و از آن نیز کمتر شد.

درباره‌ی بحران جمعیت ناشی از این رویکردها بسیار سخن گفته شده است. امروز با کاهش موالید، دوره‌می‌های گرم خانوادگی و حتی مفاهیم دوست‌داشتنی عمو، عمه، دایی و خاله بسیار محدود و متأسفانه کم‌رنگ شده است. پدیده‌ی تک‌فرزندی یکی از منابع

مهم ترین ارتباط انسانی، یعنی برادران و خواهران، را از کودکان گرفت و با خالی شدن کوچه و خیابان از بچه‌ها، ارتباطات با کودکان همسایه‌ها نیز از دست رفت؛ به همین دلیل، یکی از نتایج عملی این تحولات، تنها ماندن بچه‌ها با رسانه‌ها (تلویزیون و امروزه گوشی تلفن همراه) بود که بخشی از نتایج آن امروز در ضعف مهارت‌های ارتباطی فرزندان و تأخیر در بلوغ اجتماعی قابل مشاهده است.

پس از شکل‌گیری گفتمان نسل پروری از حدود ۱۳۸۸، در اوایل دهه ۱۳۹۰ مقام معظم رهبری با ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت و سیاست‌های کلی خانواده، نسبت به ادامه مسیر خطرناک و تلخ پیر شدن جمعیت هشدار دادند. در سال ۱۴۰۰ قانون بسیار جامع، مترقی و ارزشمند حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در دوران دولت شهید رئیسی به تصویب مجلس شورای اسلامی

رسید. شرح مختصری از خلاصه این قانون و وضعیت اجرای آن در ادامه می آید^۴:

از جمله مهم‌ترین احکام و مشوق‌های این قانون می‌توان به «اعطای یک قطعه زمین مسکونی به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر»، «فراهم شدن امکان دریافت خودرو با قیمت کارخانه بدون قرعه کشی»، «اعطای تسهیلات قرض الحسنه فرزند»، «اعطای ده میلیون ریال سهام از واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری پذیرفته شده در بورس به متولدین ۱۴۰۰ به بعد»، «اعطای مشوق استخدامی پس از تولد فرزند»، «افزایش مرخصی مادران شاغل به ۹ ماه»، «حذف نوبت کاری شبانه برای مادران

^۴ برگرفته از یادداشت سرکارخانم آسیه ارحامی پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، با عنوان سیاست‌های فرزندآوری کشور در ادوار مختلف و تأثیر ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت، قابل دسترسی آنلاین.

شاغل و اعطای دورکاری به مادران باردار»، «ارتقای زیر ساخت های محیطی، ساختمان های اداری تجاری به محیطهای دوستدار کودک»، «بیمه اجتماعی مادران دارای سه فرزند و بیشتر روستایی و عشایر»، «تکلیف سازمان ثبت احوال کشور به طراحی کارت مادرانه جهت بهره‌مندی از خدمات رفاهی و تفریحی برای خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر»، «اختصاص بخش از تبلیغات محیطی به فرزندآوری و خانواده»، «افزایش مراکز تخصصی درمان ناباروری و متخصص فلوشیپ نابارور»، «پوشش کامل بیمه‌های درمان ناباروری»، «پوشش بیمه رایگان مادران طی دوران بارداری و فرزندان آنها»، «اعطای بسته بهداشتی - تغذیه‌ای رایگان به مادران باردار نیازمند»، «تعیین مشوق‌های حمایتی برای ماما و بهورز فعال در خانه‌های بهداشت جهت تشویق به فرزندآوری»، «افزایش تعداد ماما‌های فعال در

بیمارستان‌ها و زایشگاه‌ها»، «توسعه منظم و منسجم زایمان‌های بدون درد با تجهیز بیمارستان‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی»، «ضابطه مند نمودن غربالگری سقط جنین»، «تغییر فرایند صدور مجوز سقط قانونی»، «تسهیلات قرض الحسنه ودیعه و خرید مسکن برای خانواده‌ها»، «نسخ قوانین تنظیم خانواده و جمعیت و سایر آیین نامه‌های مرتبط با تحدید نسل و محدود کننده فرزندآوری» اشاره کرد.

برخی از این موارد چون پوشش کامل بیمه درمان ناباروری، اعطای تسهیلات قرض الحسنه تولد فرزند، اعطای یک قطعه زمین مسکونی به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر به صورت رایگان، بیمه زنان خانه‌دار روستایی و عشایر دارای سه فرزند و بیشتر، اعطای سبد تغذیه رایگان به مادران باردار و دارای فرزند خردسال با بازخورد بسیار مثبت مواجه شده است. با این حال

چالش‌های متعددی نیز در فرایند اجرای برخی از این احکام به چشم می‌خورد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجرای قانون تخصیص منابع مالی مورد نیاز آن توسط دولت بود. کاهش اعتبار قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از ده هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۸ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ (کاهش ۱۸ درصدی) بخشی از این چالش است.

در خصوص ساخت و تجهیز خوابگاه‌های متاهلی (ماده ۷) نیز علی‌رغم اهمیت موضوع و تکرار این احکام در قانون بودجه ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲، متأسفانه عملکرد دستگاه‌های متولی به شدت ضعیف بوده است. به نحوی که اگرچه به طور میانگین به ازای هر ۱۰۰۰ دانشجوی متاهل تنها ۱۹ واحد خوابگاه متاهلی وجود دارد، دانشگاه‌های چون

دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه الزهراء(س)، دانشگاه شیراز، دانشگاه علم و صنعت ایران، دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه امیرکبیر ... فاقد خوبگاه متاهلی یا واجد ظرفیتی بسیار کمتر از مقدار مورد نیاز هستند.

اقدامات فرهنگی طراحی شده در قانون نیز بسیار کم‌رنگ اجرایی شده‌اند به عنوان مثال «تهیه عبارات، نمادها یا تصاویر با محتوای حمایت از خانواده، مادران ایرانی و ارزشمندی تعدد فرزندان و درج آنها در بسته‌بندی محصولات و کالاهای کلیه واحدهای تولیدی، توزیعی، خدماتی، کتب، محصولات فرهنگی و مطبوعات» که در ماده ۲۸ قانون به عنوان وظیفه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعیین شده و نیازمند اعتبارات ویژه ای نیز نمی باشد همچنان اجرایی نشده است.

در خصوص توسعه‌ی زایشگاه‌ها، ترویج زایمان طبیعی و کاهش آمار سزارین و افزایش نسبت تعداد ماما به مادر در حال زایمان، هنوز اقدام قابل توجهی از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صورت نگرفته است.

پرداخت تسهیلات ازدواج و تولد فرزند نیز با چالش‌های متعددی همراه است. بررسی عملکرد تسهیلات ازدواج در هشت ماهه نخست سال ۱۴۰۲، نشان می‌دهد تنها ۵۷ درصد متقاضیان این تسهیلات موفق به دریافت وام خود شده‌اند. این شاخص در تسهیلات تولد فرزند ۵۴ درصد است. روشن نبودن فرایند تعیین سهمیه بانک‌ها، بروز اختلال در فرایند ورود به سامانه و ثبت نام در سامانه قرض‌الحسنه ازدواج و تولد فرزند، برخورد سلیقه‌ای بانک‌ها

با موضوع ضامن بخشی از چالش های پیش رو در این حوزه است.

علی‌رغم تاکید ماده (۲۲) در تامین مهدکودک در دستگاه‌های اجرایی، بخش عمده دستگاه‌ها هم چنان فاقد مهدکودک بوده و تنها کمک هزینه ۲۰۰ هزار تومانی مهد به مادران شاغل پرداخت می‌شود که پاسخگوی هزینه‌های این دسته از مادران نمی‌باشد.

نقش الگوی شهرنشینی و خانه‌سازی در کاهش فرزندآوری

بنا بر نظر برخی از محققان عرصه شهرسازی، شاید نخستین زمزمه‌های تغییر الگوی خانه‌سازی در ایران از خانه‌های وسیع و حیاط‌دار ایرانی به آپارتمان‌نشینی فعلی را بتوان در

شماره‌های نخستین نشریه «آرشیفتکت» (اولین نشریه تخصصی معماری و شهرسازی در ایران معاصر) در اواسط دهه ۱۳۲۰ شمسی دید.

عباس اژدری (معمار-شهرساز) در شماره دوم این مجله^۵ نوشت:

«وضع آب‌وهوا و شرایط زندگی خانواده‌های ایرانی و عادات و رسوم محلی چنین تقاضا می‌کند که در ایران ساختمان به شکل خانه دربستی با حیاط و دیوارهای حصار در نظر گرفته شود ... در کشورهای اروپا خانه احتیاج به حیاط ندارد، حوض لازم ندارد؛ چون که زندگی در خانه بیشتر در اتاق می‌گذرد ... بنابراین راه‌حلی که آن‌ها برای مسکن دادن اشخاص پیدا

۵. این مجله در حوالی سال ۱۳۲۵ چاپ می‌شد و ۶ شماره دارد که به صورت آنلاین

نیز در دسترس است.

کرده‌اند از هر حیث مقرون به صرفه‌تر است؛ به این معنا که از ساختمان‌های بزرگ دارای چندین طبقه و هر طبقه دارای چندین آپارتمان و یا اتاق‌های متعدد استفاده می‌شود ... محسنات این ساختمان‌ها زیاد است ... مخارجی که برای خانه‌های مجزا از هم لازم است حذف می‌شود. تأسیسات لوله‌کشی و برق و غیره جمع‌تر و کم‌خرج‌تر تمام می‌شود. حتی الامکان فضای گم‌شده از قبیل راهرو و پله و ... کم است. ممکن است یک قسمت از احتیاجات ساختمان را از قبیل مستراح و حمام و آشپزخانه و غیره را بین چند خانواده مشترک پیش بینی نمود ... متأسفانه ... این قبیل ساختمان‌ها ظاهراً نامناسب با زندگی ایرانی به نظر می‌رسد.»

وی سپس با رویکردی ناروا می‌نویسد: «با وجود این اشکالات نباید از این راه‌حلی که مورد قبول کلیه کشورهای متمدن شده

است چشم پوشیده و باید راه‌حلی مناسب برای اجرای آن در ایران پیدا کرد.» او سپس توصیه می‌کند که باید ابتدا از سکنی دادن کارگران در چنین خانه‌هایی آغاز کرد. او می‌گوید که صاحبان شرکت‌های خصوصی یا دولتی و کارخانه‌ها می‌توانند چنین خانه‌هایی را بنا کنند و به کارگران اجاره دهند یا واگذار کنند.

اگر ایشان امروز در میان ما بود، شاید متوجه این حقیقت می‌شد که در عموم کشورهای صنعتی این شیوهٔ تراکم سکونت آسیب‌های اجتماعی خود را نمایان کرده است. جالب آنکه در خود کشورهای صنعتی، شاید اولین نمونه‌های ساختمان آپارتمانی تراکم با این خصوصیات را باید در دوران انقلاب صنعتی انگلستان، در سال‌های ۱۸۰۰ میلادی پیدا کنیم که برای اسکان انبوه کشاورزان بیکار شده تأسیس می‌شد که به‌عنوان

کارگر کارخانه‌های جدید به شهرها مهاجرت می‌کردند. این خانه‌ها گاه تنها یک سرویس بهداشتی در بیرون ساختمان داشت (مشابه پیشنهاد یادشده از آقای اژدری در سال ۱۳۲۵). کشاورزان از زمین‌های وسیع و خانه‌های طبیعی خود به جبری که مهندسی اقتصادی بر آنان تحمیل کرده بود، به چنین فضا‌های تنگ و فشرده‌ای آمدند؛ لذا خانه‌های آپارتمانی به این شکل بلند و متراکم اساساً در اروپا هم سابقه نداشت و ظاهراً نخستین ساخت چنین بناهای مغایر با طبیعت انسان، حتی در سرمنشأ تاریخی آن نیز نه روندی طبیعی و نه اقتضای پیشرفت بشر یا اقتضای زمانه، بلکه مقتضای سوداگری عده‌ای محدود بود.

ایران دوران پیش از انقلاب، یکی از مخاطبان «برنامه اصل چهار» ترومن بود. ذیل این برنامه، اولاً یک ایستگاه تلویزیونی آمریکایی برای پخش در ایران و ثانیاً، «دپارتمان اقتصاد خانواده» تأسیس

شد. البته شبکهٔ آمریکایی تلویزیون در سال ۱۳۵۵ش پس از هفده سال فعالیت و وارد کردن الگوهای مصرفی متعدد در زندگی ایرانی تعطیل شد؛ اما در مورد دوم، متخصصان اصل چهار ترومن به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده بودند که دختران ایرانی مهارت‌های سنتی خود را، اعم از شیوهٔ پخت‌وپز، نظافت و بهداشت، پذیرایی از مهمانان و غیره، با نگاه به الگوهای غربی «اصلاح» کنند و با آموزش‌های واحد اقتصاد خانواده از دکوراسیون خانه‌های آمریکایی برای فضای سکونت خود الهام بگیرند. به‌دنبال چنین برنامه‌هایی و در کنار انبوه اسباب و اثاثیهٔ وارداتی، که همه در راستای تقویت نظام سرمایه‌داری بود، خانه در ایران به‌تدریج از واحدی مولد و دارای استقلال اقتصادی، به واحدی مصرف‌کننده تبدیل شد.

در چنین خانه‌ای آشپزخانه، به‌عنوان مهم‌ترین فضای تجلی فرهنگ مصرفی، دیگر نمی‌توانست خارج از محدودهٔ پذیرایی واقع

شود و باید از اندرونی خارج می‌شد و به‌صورت باز در مقابل دید همگان و در مجاورت پذیرایی قرار می‌گرفت. در همین دوران است که یکی از شاخص‌ترین معماران دورهٔ پهلوی، آقای وارطان هوانسیان، چنین می‌گوید:

«کسانی که آن زمان [= دورهٔ پیش از سلسلهٔ پهلوی] را به یاد دارند، به‌خوبی می‌دانند که ساختمان‌های این شهر بزرگ [= تهران]، مانند طبقهٔ نسوان [= بانوان] که در زیر چادرسیاه مستور بودند، با دیوارهای بلند کاهگلی و یک‌نواخت محصور و جز با یک درِ چوبی آن هم به اشکال مختلف که روی آن‌ها کوبه‌های آهنی بدقواره‌ای نصب شده بود، وسیلهٔ ارتباط دیگری با دنیای خارج خود نداشتند. در آن عصر، یعنی قبل از رفع حجاب، مگر کسی می‌توانست آن حصار سیاه و غم‌انگیز را از گرد منزل مسکونی خود برداشته و از اتاق نشیمن

پنجره‌ای رو به خیابان باز کند و یا بالکنی در بنای خود احداث نماید؟»^۶

در صحت‌سنجی مطالب آقای هوانسیان نباید از یاد برد که ایشان زمانی این جملات را بیان می‌کرد که برخلاف ساختمان‌های اروپایی، که حیاط نداشتند و نیازمند بالکن بودند و تنها مفر نگاه در آن‌ها به سمت بیرون از خانه بود، هنوز خانه ایرانی نوعاً دارای حیاط مصفا با حوض و درخت و حیوانات اهلی بود و معابر عمدتاً کاربری حمل‌ونقل داشتند و حتی در بافت مسکونی کمتر عریض بودند.

۶. امیر بانی مسعود، معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته، تهران: هنر معماری قرن، ۱۳۹۴. نقل شده در: رئیسی محمد منان، انصاری‌پور زهرا. مطالعه‌ی تطبیقی حجاب‌زدایی و حریم‌زدایی در البسه و ابنیه‌ی ایرانی قبل و بعد از ظهور سلسله‌ی پهلوی. پژوهش‌های معماری اسلامی. ۱۳۹۸؛ ۷ (۱) صفحات ۳-۲۰.

هوانسیان و هم‌فکران او با این اندیشه که خانه سنتی و درون‌نگر ایرانی همچون حصار و زندان است، مروج معماری مدرن در کشور شدند و پیشنهادشان برای رهایی زن ایرانی از حصار معماری سنتی، تبدیل خانه‌های درون‌نگر سنتی به خانه‌های برون‌نگر بود. نتیجه این تفکر آن است که امروز نه از حیاط مرکزی در خانه‌های ایرانی خبری هست، نه از حوض و درخت و نه ایوان‌های پرفصفا و پر از گل‌دان. به جای آزادی زنان، اکنون فرزندپروری باید در آپارتمان‌های قوطی کبریتی صورت گیرد که پنجره‌هایش به جای حیاط مرکزی به سمت خیابان باز می‌شود و با بلندمرتبه‌سازی و تراکم و اشراف بصری ساختمان مقابل، همان پنجره نیز اگر به بیرون باز شود، عمق حریم خصوصی خانه را در معرض دید غریبه قرار می‌دهد. درواقع شهرها را به قدری عمودی و متراکم ساخته‌ایم که حریم خصوصی زن خانه از دید بلوک‌های روبه‌رو در امان نیست؛ از این‌رو نه تنها به زن ایرانی آزادی و وسعت دید و

منظر ندادیم، بلکه او و فرزندانش را در آپارتمان‌های محروم از مواهب طبیعی باد و آب و نور طبیعی خورشید محصور کردیم.^۷

جمع‌بندی

آنچه مدافع ارزش‌های خانواده و اعتبار جایگاه‌های آن است، سلسله‌مراتب ارزش‌هاست که خود یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ است. وقتی فرهنگ جامعه آرام‌آرام به سمت دیگری می‌لغزد، ساختارهای فرهنگی فرومی‌ریزند که مانند لایه‌های دفاعی مانع از تضعیف خانواده بودند. دور شدن از فرهنگی که سال‌ها مدافع حریم خانواده بوده است، ما را به کجا خواهد برد؟

امروز نهاد خانواده در جامعه ایران آسیب دیده است؛ دوره‌می‌های فامیلی کم‌رنگ شده و آمار طلاق به‌ویژه در شهرهای بزرگ به

۷. محمد منان رئیسی، کانال بلد طیب، شبکه اجتماعی ایتا، ۲۱ دی ۱۴۰۱ (با ویراست مختصر).

سطح نگران‌کننده‌ای رسیده است. در مواردی بروز فردگرایی و طلاق در طبقات مرفه اقتصادی بیشتر است. ازدواج دشوار شده و روابط آسیب‌زای خارج از ازدواج روبه‌افزایش است. همه این‌ها علائم هشداردهنده‌ای برای جامعه ماست. اما پیش از آنکه این تحولات را اقتضای زمانه تصور، و به افسوس بر نابسامانی‌های خانوادگی بسنده کنیم، باید ریشه‌های واقعی این تحولات را بشناسیم. منشأ شیوه‌های ضدخانواده در جامعه ما کجاست؟

به عقیده ما منشأ این شیوه‌ها در انتقال فرهنگ جامعه مدرن به سایر فرهنگ‌هاست که در نتیجه آن، فرهنگ بومی با فرهنگ وارداتی مخلوط شده و یکپارچگی خود را از دست داده است. برای درک اینکه این شیوه‌ها در جامعه ما از کدام جریان‌های بزرگ‌تر سرچشمه گرفته‌اند و عواقب آن چه خواهد بود، باید به منشأ آن‌ها در جامعه غربی بنگریم.

از همین نگارنده:



کتاب خانواده در تندباد

در بهار ۱۴۰۴ از سوی

نشر معارف منتشر شد.

ارزیابی دفتر خانواده و ازدواج، هم اندیشی اساتید دانشگاه‌ها:

- ✓ خانواده در این اثر نه صرفاً در سطح روابط بین فردی، بلکه در بستر تحولات اجتماعی و تمدنی بررسی شده است که **رویکردی عمیق و کم‌نظیر** در حوزه مطالعات خانواده محسوب می‌شود...
- ✓ اثر به **خوبی** تاثیر رسانه‌ها، جریان فمینیسم، سرمایه داری مصرف‌گرا و فردگرایی را در آسیب رسانی به نهاد خانواده تحلیل می‌کند
- ✓ به جای کپی برداری از نظریات غربی، راهکارهایی متناسب با فرهنگ دینی و ایرانی ارائه می‌دهد.

✓ از اصطلاحات پیچیده پرهیز نموده و مخاطب عمومی را نیز همراه می سازد.

اطلاعات بیشتر و شیوه تهیه فوری کتاب در وبسایت دفتر انتشار آثار استاد ساويز asaviz.ir، بخش کتاب‌ها، صفحه کتاب خانواده در تندباد در دسترس است. امکانات ویژه‌ای برای دانشگاهیان در نظر گرفته شده است. همچنین برای سوالات یا تهیه فوری کتاب می‌توانید با ۰۹۱۲۴۵۹۰۴۱۰ مکالمه یا پیام ارسال فرمایید.

! شعار فرزند کمتر زندگی بهتر !

این اثر، بخشی است از مجموع آثار در سایت

asaviz.ir